

بررسی انتقادی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ یونسکو؛^۱

آثار و پیامدهای آن

fooladi@iki.ac.ir

محمد فولادی / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۷ = پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۰

چکیده

این پژوهش با رویکرد تحلیلی، توصیفی، انتقادی، و با هدف بررسی سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو، به‌عنوان پروژه جهانی یکسان‌سازی نظام‌های آموزشی تدوین یافته است؛ پروژه‌ای که پس از برجام هسته‌ای، به‌عنوان پروژه عملی نفوذ فرهنگی غرب در ایران و به‌عنوان «برجام فرهنگی» از آن یاد شده است. این پروژه توسط کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰، توسط دولت یازدهم با همکاری یونسکو تصویب و در اردیبهشت ۹۵ توسط دولت برای اجرا ابلاغ گردید. نهیب رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر گلابه از شورای عالی انقلاب فرهنگی و تصویب و اجرای بی‌سر و صدای آن، گفتمان جدیدی در این عرصه و بیان چالش‌ها و ناسازگاری این‌گونه اسناد بین‌المللی با آموزه‌های دینی و معارف ناب اهل‌بیت علیهم‌السلام شکل گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که پذیرش این سند دارای پیامدهای است. از جمله پذیرش سند به‌عنوان سند بالادستی در کشور، پذیرش سلطه فرهنگی غرب، حذف بسیاری از ارزش‌های دینی از متون آموزشی، پذیرش رسمی سلطه غرب در ارکان نظام اسلامی، تعارض سند با مبانی اندیشه اسلامی، چالش‌های حقوقی و امنیتی، تعارض با فلسفه تشکیل حکومت اسلامی.

کلیدواژه‌ها: سند ۲۰۳۰، رویکردهای راهبردی، اهداف سند، رویکرد جنسیتی، حق شرط، چالش‌های حقوقی و امنیتی.

مقدمه

برنامه آموزش ۲۰۳۰، برنامه‌ای فراملی و نسخه‌ای واحد جهانی برای تحقق آرمان چهارم از مجموعه آرمان‌های اهداف توسعه پایدار یونسکو می‌باشد؛ توسعه‌ای شامل کلیت نظام آموزشی در تمامی سطوح آموزش، اعم از رسمی، غیررسمی و ساختار نایافته، برای دستیابی به جامعه یادگیرنده و پایدار. آرمان برنامه آموزش ۲۰۳۰، «تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه» است. از سوی یونسکو، برای تحقق این آرمان، هفت هدف ویژه طراحی شده است. این اهداف عبارتند از: آموزش ابتدایی و متوسطه فراگیر؛ توسعه مراقبت اوان کودکی و آموزش پیش‌دبستانی و فراگیر؛ دسترسی برابر به آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای؛ مهارت‌های مختلف برای کار شایسته و شرافتمندانه؛ فراگیری و دسترسی برابر زنان و مردان به فرصت‌های آموزشی؛ سوادآموزی فراگیر جوانان؛ و آموزش شهروندی برای توسعه پایدار. اما ابزارهای لازم برای تحقق آرمان‌های فوق، عبارتند از: ۱. توسعه فضای مناسب یادگیری؛ ۲. افزایش بورس‌ها و تربیت معلم؛ ۳. توسعه همکاری‌های بین‌المللی (جفری، ۱۳۸۴، ص ۱۳).

سند و یا برنامه آموزشی ۲۰۳۰، توسط کمیسیون ملی یونسکو تدوین و در کشورهای مختلف از جمله ایران بومی‌سازی شده است. سند بومی‌سازی شده در ایران، به‌عنوان «سند ملی آموزش» مطرح و مشتمل بر هفت بخش می‌باشد: ۱. پیش‌گفتار؛ ۲. مروری بر شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیت‌شناختی ایران و ارتباط آن با آموزش؛ ۳. معرفی ساختار آموزشی ایران (از پایه تا عالی)؛ ۴. ساختار و راهبردهای کلان ملی برنامه آموزش ۲۰۳۰ در جمهوری اسلامی ایران؛ ۵. اهداف هفت‌گانه آموزش؛ ۶ عوامل مؤثر در تحقق اهداف آموزش ۲۰۳۰؛ ۷. نظام نظارت و ارزیابی برنامه آموزش ۲۰۳۰.

بر اساس اهداف اعلام شده توسط سازمان ملل، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰، همه کشورهای عضو سازمان ملل باید تلاش کنند تا به اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار با همکاری و تعامل با یکدیگر، در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابند.^۳

این مقاله، به بررسی سند ۲۰۳۰ و اهداف، چالش‌ها و پیامدهای آن می‌پردازد. اجمالاً، آنچه درباره این سند گفتنی است، ناهمخوانی آن با روح فرهنگ اسلامی و آموزه‌ها و معارف دینی است. از یک سو، تعارض آشکار این سند با آموزه‌های اسلامی و هنجارها و فرهنگ ایرانی و از سوی دیگر، ناسازگاری جدی آن با سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی این حوزه از جمله چالش‌های جدی این سند است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه تأکید دارند: «ما برای تربیت نسل آینده با حریفی به نام «نظام سلطه بین‌المللی» مواجه هستیم که برای نسل جوان ملت‌ها، به ویژه ملت ایران برنامه دارد. نوسازی نظام آموزشی به شیوه تقلیدی و رونویسی از دست غربی‌ها کاری غلط است. آموزش و پرورش در قانون

اساسی، مسئله «حاکمیتی» است و دولت باید نقش آفرینی کند» (۱۲/اردیبهشت/۱۳۹۵). از این رو، این مقاله به بررسی انتقادی کم و کیف این سند و میزان سازگاری و همسویی آن با اسناد بالادستی نظام آموزشی ما، بخصوص آموزه‌ها و معارف اسلامی و آثار و پیامدهای آن می‌پردازد.

پیشینه شکل‌گیری سند آموزش ۲۰۳۰

برنامه آموزش ۲۰۳۰، اولین بار در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹ش)، در شهر جامتین تایلند، کنفرانسی جهانی با عنوان «آموزش برای همه» و با هدف فراگیر ساختن آموزش در کشورهای جهان، با همکاری پنج سازمان بین‌المللی (یونسکو، یونیسف، صندوق جمعیت سازمان ملل، بانک جهانی برنامه عمران سازمان ملل متحد) برگزار شد. ده سال پس از این کنفرانس و در آوریل ۲۰۰۰ (اردیبهشت ۱۳۷۹)، در شهر داکار سنگال، کنفرانسی دیگر برگزار شد که طی آن، سندی با عنوان «چارچوب عمل داکار» طراحی، و برنامه‌ای ۱۵ ساله برای «آموزش برای همه» ارائه شد. از سوی دیگر، سران کشورهای جهان در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در آغاز هزاره جدید (سال ۲۰۰۰)، توافق کردند تا برای دستیابی به توسعه پایدار در کشورهای جهان و پایان دادن به فقر و کاهش شکاف طبقاتی، تا سال ۲۰۱۵ برای تحقق هشت هدف مشترک تلاش کنند.

پس از گذشت ۱۵ سال از این دو واقعه، توافق بر «اهداف توسعه هزاره» و برنامه «آموزش برای همه»، دست‌اندرکاران معتقد بودند که هر چند از زمان اجرای این دو برنامه، پیشرفت‌های خوبی حاصل شده، اما دستیابی به اهداف این برنامه‌ها تا مهلت مقرر آن، یعنی تا سال ۲۰۱۵ تحقق نیافته است. از این رو، برای اتمام کارهای ناتمام آنها، اقداماتی تکمیلی لازم است. به همین دلیل، وزرای آموزش و پرورش برخی کشورهای جهان (از جمله ایران) و نمایندگان عالی رتبه آنها در اردیبهشت ۱۳۹۴ (ماه مه ۲۰۱۵)، در اینچئون کره جنوبی گرد آمدند و بر یک برنامه ۱۵ ساله جهانی دیگر توافق کردند. نتیجه این توافق، بیانیه‌ای به نام «بیانیه اینچئون» در ۲۰ بند بود که ضمن آن، شرکت‌کنندگان خود را متعهد به اجرای اهداف آموزشی مورد توافق دانستند.

از سوی دیگر، در مهرماه ۱۳۹۴ (سپتامبر ۲۰۱۵)، سندی به نام «دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که یک برنامه ۱۵ ساله دیگر را برای تحقق توسعه پایدار در کشورهای جهان ارائه نمود. این برنامه، که شامل ۱۷ هدف در عرصه‌های مختلف فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است، هدف چهارم خود را به «آموزش» اختصاص داده است. این هدف عبارت است از: «تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه». از این رو، در راستای بیانیه اینچئون، با توجه به نتایج دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار و با استفاده از تجارب کشورها در اجرای برنامه‌های پیشین درباره «آموزش برای همه»، «چارچوب عمل برنامه آموزش ۲۰۳۰» تهیه شد و در کنفرانس عمومی یونسکو در پاریس در آبان (نوامبر) سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید (آموزش ۲۰۳۰، ۱۳۹۵، ص ۱۳). این

«چارچوب عمل»، به همراه «بیانیه اینچئون»، مشترکاً توسط یونسکو در قالب سندی با عنوان «آموزش ۲۰۳۰: بیانیه اینچئون و چارچوب عمل برای اجرای هدف چهارم توسعه پایدار» منتشر شد.

کمیسیون ملی یونسکو در ایران، که متولی اجرای چارچوب عمل‌های جهانی در ایران است، پس از تصویب نهایی «برنامه آموزش ۲۰۳۰» در یونسکو در سال ۱۳۹۴، تهیه چارچوب عملی آموزش ۲۰۳۰ را در دستور کار خود قرار داد و در این راه، اقداماتی را بدین شرح انجام داد:

۱. تشکیل ۳۰ کارگروه ملی با هدف تهیه چارچوب عمل ملی که نتیجه آن در قالب یک سند ۳۶۸ صفحه‌ای با نام «چارچوب عمل ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران» آماده و در ۲۰ آذر ۹۵ از آن رونمایی شد.
۲. پیگیری اخذ مصوبه از هیئت دولت: به موازات تشکیل کارگروه‌های فوق، و طرح تشکیل «کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰»، در نهایت، هیئت دولت تشکیل «کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰» را تصویب و در ۲۵ شهریور ۱۳۹۵ ابلاغ کرد.

اهداف سند

سند ۲۰۳۰، دارای اهداف آشکار و پنهان فراوانی است. در یک نگاه، این سند پروژه عمیق و بلندمدت جهانی‌سازی فرهنگ غربی است. برخی اهدافی که به صراحت در این سند مطرح شده است، عبارتند از:

۱. هرچند هدف چهارم یعنی آموزش ۲۰۳۰، دستور کار سند توسعه پایدار بود، اما بیانیه/اینچئون با صراحت اعلام کرد که صرفاً به اهداف آموزشی محدود نمی‌شود، بلکه در تحقق اهداف دیگر از جمله امور بهداشتی، اقتصادی و الگوهای تولید و مصرف و تغییر اقلیم، نقش اساسی ایفا می‌کند. این بیانیه بر این باور است که آموزش قادر است تحقق هر یک از اهداف توسعه پایدار، از جمله برابری جنسیتی (هدف پنجم) را تسریع کند (کمیسیون ملی یونسکو- ایران، بی تا، ص ۳۷).
۲. یونسکو به‌عنوان متولی و راهبر رویداد مهم آموزش ۲۰۳۰ می‌باشد. اجلاس یونسکو، اراده سیاسی منعکس شده در پیمان‌نامه‌های متعدد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر را که حق آموزش و ارتباط و پیوند آن با سایر حقوق بشر را تصریح می‌کند، تأیید می‌کند.
۳. کشورهای مختلف باید گزارش جامع و اطلاعات لازم را برای تدوین اهداف آموزشی در اختیار کارگروه ۲۰۳۰ قرار دهند. این گزارش با هدف هم‌افزایی منطبق‌های آموزش و همسان‌سازی فرهنگی و آموزشی برای همه کشورها می‌باشد.
۴. از دیگر اهداف این سند، بررسی چالش‌های پیش روی نظام‌های آموزشی و دادن اولویت‌ها و راهبردهای لازم برای رفع این چالش‌ها می‌باشد.
۵. حمایت همه‌جانبه از تلاش‌ها و برنامه‌ریزی برای ایجاد فضاهای یادگیری جنسیت محور، اتخاذ رویکردی واحد در حوزه مسائل جنسیتی در متون درسی و در آموزش معلمان و ریشه‌کنی خشونت و تبعیض

جنسیت محور در مدارس.^۵

۶. حمایت از اجرای برنامه اقدام جهانی در حوزه آموزش برای توسعه پایدار و همسان سازی فرهنگی. از این موضوع،

در کنفرانس جهانی آموزش برای توسعه پایدار آیچی ناگویا در سال ۲۰۱۴ رونمایی شد.^۶

۷. مسئولیت اجرای موفقیت آمیز این الگو بر عهده دولت هاست. ترویج پاسخ گویی، شفافیت و حاکمیت

مشارکت محور در همه سطوح و ایجاد چارچوب های حقوقی و سیاست گذاری.

۸. حمایت همه جانبه یونسکو از کشورها برای تداوم تعهد سیاسی برای تدوین سیاست ها، برنامه ریزی ها در جهت

تحقق اهداف ویژه سند آموزشی ۲۰۳۰ است (کمیسیون ملی یونسکو- ایران، بی تا، ص ۱۲).

از این رو، با توجه به آنچه گذشت، اهداف این سند بسیار بیش از آن چیزی است که به ظاهر به عنوان «سند

آموزشی» مطرح شده است. در عین حال، در کلیات این سند، گروه های هدف، محتوا، هدف و اصول کلی سند

چنین بیان شده است:

- گروه های هدف: همه افراد صرف نظر از جنسیت، سن، نژاد، رنگ، قومیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا

غیره، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی یا محل تولد، افراد مهاجر و بومی، کودکان و نوجوانان، به ویژه آنها که

در شرایط آسیب پذیر قرار دارند.

- محتوای آموزش: آموزش به عنوان ابزاری جامع و حیاتی است که باید محتوای آن ترویج مردم سالاری و

حقوق بشر باشد و به ارتقای حقوق شهروندی جهانی، بردباری و مشارکت مدنی و توسعه پایدار کمک می کند.

- هدف آموزش: آموزش، ابزار دستیابی به برابری میان زنان و مردان، توانمندسازی زنان و دختران برای

مشارکت کامل سیاسی و اجتماعی و نیز توانمندسازی آنان از منظر اقتصادی است (همان، ص ۳۷). هدف

آموزش باید ترویج متقابل بردباری، دوستی و صلح باشد (همان، ص ۵۰).

- یادگیری مادام العمر و اینکه باید فرصت های یادگیری گسترده، انعطاف پذیر و غیررسمی از طریق روش های

مختلف و با اختصاص منابع کافی و ایجاد سازوکارهای مناسب و از طریق تشویق افراد به یادگیری آزاد ...

صورت گیرد (ر.ک: همان، ص ۴۱).

رویکردهای راهبردی^۷

در سند ۲۰۳۰، رویکردهای راهبردی بسیاری وجود دارد که اجمالاً می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پاسخگویی و اقدام دولت

برای ارزیابی و اجرای تعهدات و تضمین استقرار چارچوب های سیاست گذاری مستحکم سیاسی و قانونی که

زیربنای تحقق آموزش ۲۰۳۰ است، دولت ها باید در زمینه بازبینی فعالیت ها در نظام آموزشی خود، فعالانه و به طور

مشارکتی اقدام کنند. همچنین، دولت‌ها متعهد به بومی‌سازی اهداف جهانی آموزش، در چارچوب این سند و طراحی روش‌های ارزیابی در چارچوب فرایندی فراگیر، شفاف و کاملاً پاسخگو می‌باشند (کمیسیون ملی یونسکو-ایران، ۱۳۹۵، ص ۱۹). به همین دلیل، کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ در ایران توسط هیئت وزیران دولت یازدهم تصویب و در ۲۵ شهریور ۱۳۹۵ ابلاغ گردید.

۲. جذب افراد در حاشیه مانده

حذف تلاش نظام‌های آموزشی برای جذب افراد طرد شده یا در معرض خطر و در حاشیه مانده (همان، ص ۱۷۵). عبارت «افراد دارای سایر عقاید»؛ «افراد آسیب‌پذیر» و «در حاشیه مانده»، در تفاسیر نهادهای حقوق بشری، شامل بهائیت و فرق انحرافی و گروه‌های دارای گرایش‌های همجنس‌گرایانه می‌شود.

۳. رویکرد جنسیتی

- تلاش دولت برای تضمین برابری جنسیتی: نظام‌های آموزشی باید برای حذف تعصب مبتنی بر جنسیت و تبعیض ناشی از سوگیری‌های فرهنگی و اجتماعی و وضعیت اقتصادی تلاش کنند (کمیسیون ملی یونسکو-ایران، بی‌تا، ص ۳۶).

- تدوین سیاست‌هایی برای رعایت حقوق زنان و مردان: دولت‌ها باید در زمینه تدوین سیاست‌هایی که حقوق زنان و مردان در آن به درستی رعایت شده باشد و نیز فضاهای آموزشی و برنامه‌ریزی مرتبط با این سیاست‌ها اقدام کنند.

- حذف تبعیض و کلیشه‌های جنسیتی: باید در مسائل مربوط به جنسیت در حوزه آموزش ... تبعیض‌های مبتنی بر جنسیت و خشونت در مؤسسات آموزشی را حذف کرد تا ضمانتی برای تأثیر برابر آموزش و یادگیری بر دختران، پسران، زنان و مردان و حذف کلیشه‌های مبتنی بر جنسیت و کمک به ترویج و پیشبرد برابری میان زنان و مردان باشد (همان، ص ۳۷).

- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ... از طریق استفاده زود هنگام از آموزش، به ویژه توسط زنان و دختران و یادگیری بزرگسالان و همچنین، ترویج فرصت‌هایی برای آموزش و تربیت جوانان و بزرگسالان در همه رده‌های سنی و از هر قشری، با هدف توانمندسازی آنان با عنایت ویژه به مسئله تساوی جنسیتی و حذف موانع جنسیتی و نیز با توجه به اقلیت آسیب‌پذیر (هدف ۳-۴؛ کمیسیون ملی یونسکو-ایران، ۱۳۹۵، ص ۲۶-۲۸).

- هدف از آموزش، ریشه‌کنی نابرابری‌های جنسیتی و تضمین دسترسی برابر به همه مقاطع آموزشی برای اقلیت آسیب‌پذیر تا سال ۲۰۳۰ (هدف ۴-۵).

° توجه ویژه به هنجارهای جنسیتی، به‌عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری پیشرفت، لازم است تا تلاش بیشتری برای دستیابی به آن انجام شود. دختران نوجوان و زنان جوانی که ممکن است در برابر خشونت

مبتنی بر جنسیت، ازدواج در سنین کودکی، بارداری زودرس و بار سنگین کارهای منزل قرار گیرند، و همچنین دختران نوجوان و زنانی که در نواحی فقیرنشین و دورافتاده روستایی ساکن هستند، به توجه ویژه نیاز دارند (همان، ص ۱۶۱).

- اتخاذ سیاست‌های مقابله با خشونت‌های جنسیتی: برای تضمین تساوی جنسیتی در برنامه‌ها و نظام‌های آموزشی، نیازمند ظرفیت‌سازی و سرمایه‌گذاری در اجرا، پایش، ارزیابی و پیگیری برنامه‌ها و نظام‌های آموزشی هستیم. به همین منظور، تضمین امنیت شخصی زنان و دختران در مسیر رفت و برگشت آنها از مدرسه و مؤسسات آموزشی به منزل و... حذف خشونت جنسیت‌محور در مدارس، لازم است سیاست‌هایی برای مقابله با همه اشکال خشونت و سوءاستفاده جنسی تنظیم شود (همان، ص ۳۰-۳۱-۲۹ و ۲۶۸).

۴. اصلاح و بازبینی نظام آموزشی، محتوای کتب درسی و تربیت معلم

- تضمین بازبینی کتاب‌های درسی ...، همچنین آموزش معلمان و نظارت بر فعالیت‌های آنان توسط دولت‌ها، به نحوی که موارد یاد شده باید عاری از هرگونه کلیشه جنسیتی باشند و در ترویج تساوی جنسیتی، عدم تبعیض، حقوق بشر و آموزش بین فرهنگی مؤثر واقع شوند (کمیسیون ملی یونسکو- ایران، ۱۳۹۵، ص ۲۶، ۲۸، ۲۹ و ۵۹).

- از آنجا که معلمان از پایه‌های اساسی تحقق و تضمین آموزش با کیفیت به شمار می‌آیند، لازم است برای توانمندسازی، استخدام نیروهای کافی، تأمین حقوق مناسب و مکفی، ارتقای مهارت‌های آنها و نیز حمایت از آنان در قالب نظام‌های آموزشی مؤثر، کارآمد و مجهز تلاش شود (همان، ۳۴۹؛ هدف: ۴ج).

- تدوین راهبردهای جنسیت‌محور برای جذب و جلب با انگیزه‌ترین افراد علاقه‌مند به حرفه معلمی و تضمین انتقال معلمان به مناطقی که به وجودشان نیاز بیشتری وجود دارد. لازمه این کار، سیاست‌گذاری و وضع قوانینی است که حرفه معلمی را برای نیروهای انسانی موجود و آینده جذاب می‌کند. این کار، از طریق بازبینی، واکاوی و بهینه‌سازی کیفیت آموزش معلمان میسر است (همان).

- بازنگری مواد درسی، با هدف تضمین کیفیت و ارتباط آن با محتوا، مهارت‌ها، ظرفیت‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و جنسیت (همان، ص ۲۹ و ۵۹).

- سیاست‌گذاری‌ها باید در راستای دگرگون ساختن نظام‌های آموزشی انجام شوند (همان).

- ارائه بورس در بین‌المللی‌سازی آموزش عالی و نظام‌های پژوهشی در کشورهای در حال توسعه، برای فراهم آمدن امکان ادامه تحصیل زنان و دختران در حوزه‌های علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات لازم است که توجه ویژه‌ای در این زمینه به عمل آید (همان، ص ۳۴؛ هدف: ۴ب).

- افزایش قابل توجه معلمان واجد شرایط، از جمله از طریق تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای تربیت معلم در کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۳۰ (هدف ۴-ج).

۵. ایجاد محیط آموزشی امن

- تدوین و اجرای سیاست‌های جامع، چندوجهی و منسجم جنسیت‌محور... و ترویج هنجارها و نظام‌هایی برای تضمین امنیت مدارس و به دور ماندن آنها از خشونت (هدف ۴-الف).
- باید دولت‌ها محافظت از مؤسسات آموزشی را به‌عنوان یک محل آرام و به دور از خشونت تضمین کنند. ضمن اینکه حفاظت از مدارس به‌عنوان یک فضای آزاد و عاری از هرگونه خشونت جنسیتی علیه دختران و پسران الزامی است (همان، ص ۲۹۶؛ هدف: ۴ الف).

پیامدهای پذیرش سند

برخی منتقدان سند ۲۰۳۰ بر این باورند که امضای این سند، به مثابه «برجام فرهنگی» است و پیامدهای خسارت‌باری برای نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. با نگاهی منصفانه، به نظر می‌رسد، پذیرش این سند و میثاق بین‌المللی، پیامدهایی به دنبال دارد که با مبانی فکری نظام اسلامی و آموزه‌های دینی به شدت در تضاد و تعارض می‌باشد. برخی از این پیامدها عبارتند از:

۱. پذیرش میثاق بین‌المللی ۲۰۳۰، به‌عنوان سند بالادستی

با پذیرش سند ۲۰۳۰ یونسکو، این سند مقدم و به‌عنوان اسناد بالادستی کشورها تلقی شده است؛ یعنی اسناد کشور ما باید همسو با سند توسعه یونسکو اجرا شود. بر اساس تعهدی که داده شده است: ما باید SDG4 را به‌عنوان یک سند و میثاق بین‌المللی اصل قرار دهیم و سیاست‌های کلان و برنامه‌های خود را همسو و مطابق با آن تغییر دهیم و اجرای برنامه‌ها را هم بر اساس شاخص‌های آنها پیاده کنیم. بر اساس عبارات متعدد در متن سند جهانی «آموزش ۲۰۳۰» و سایر بیانی‌ها و اسناد پیشین مرتبط (همانند «توافق‌نامه مسقط»)، کشورهای پذیرنده این اسناد، «متعهد» و «موظف» شده‌اند «تا اهداف جهانی را در اهداف، سیاست‌ها، طرح‌ها و اقدامات ملی چرخه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی نظام‌های آموزشی و آماده‌سازی منابع خود ادغام کند» و ضمن حفظ ساختارهای موجود خود، آنها را با برنامه آموزش ۲۰۳۰ انطباق دهند. در متن آموزش ۲۰۳۰، حداقل ۲۳ بار در صفحات ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۴، ۵۷، ۶۳، ۶۷، ۷۲ و ۷۳ از تعهد کشورها به انجام اقدامات مختلف یاد شده است. شاهد این نکته بند نخست مصوبه هیئت دولت در تاریخ ۹۵/۶/۲۵ است که تصریح می‌کند: «به منظور هماهنگی و ارائه راه‌کارهای تحقق اهداف و تعهدات برنامه آموزش ۲۰۳۰، همسو با اهداف و تعهدات برنامه اهداف توسعه پایدار، کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ تشکیل می‌گردد». از این رو، برای نمونه، اگر در متن قرآن مسئله‌ای در مغایرت با سند ۲۰۳۰ وجود داشت، باید کنار گذاشته شود؛ چرا که قانون پیوستن به یک معاهده بین‌المللی این است که آن اصل قرار گیرد و قوانین دیگر در تطابق با آن تغییر کنند.

افزون بر این، دولت‌ها، مجری و متولی بومی‌سازی سند ۲۰۳۰ هستند؛ زیرا بن مایه آموزش ۲۰۳۰ در درون کشورها قرار دارد. دولت‌ها، نقش مهمی در تحقق حق آموزش دارند. ضمن اینکه به‌عنوان متولیان و مجریان، تأمین‌کننده‌های مالی این نوع آموزش نیز هستند. دولت‌ها باید بر فرایند آموزش، نظارت راهبردی داشته باشند و در حفظ و تقویت این نظارت بکوشند. دولت‌ها باید در فرایند بومی‌سازی و اجرای اهداف اصلی و ویژه آموزش ۲۰۳۰، بر مبنای تجارب و اولویتهای ملی دخیل باشند. از این‌رو، از آنجاکه مسئولیت اصلی این پایش، بر عهده دولت‌هاست، این کشورها باید در زمینه ایجاد سازوکارهای مؤثر برای پایش و پاسخ‌گویی اقدام کنند. این سازوکارها باید در مشاوره با جامعه مدنی ایجاد شوند (کمیسیون ملی یونسکو- ایران، ۱۳۹۵، ص ۳۶).

این در حالی است که در نظام ج.ا.ا. افزون بر بخش مربوط به امور فرهنگی، علمی و فناوری در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، اسناد بالادستی کاملاً مرتبطی نیز در این حوزه وجود دارد که در تعارض با سند ۲۰۳۰ قرار دارد. برخی از این اسناد عبارتند از:

۱. سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)؛
۲. سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ابلاغی مقام معظم رهبری؛
۳. سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی؛
۴. نقشه جامع علمی کشور؛ ابلاغی ۱۳۹۳/۴/۹ از سوی رهبر فرزانه انقلاب.
۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۴، در شورای عالی انقلاب فرهنگی).

۲. پذیرش سلطه فرهنگی غرب

پذیرش سند ۲۰۳۰ یونسکو، مستلزم دور شدن از آموزه‌های اسلامی، معارف قرآنی و بسیاری از ارزش‌های اسلامی است؛ چرا که روح حاکم بر سند ۲۰۳۰، جهانی‌سازی فرهنگ غرب و پذیرش سلطه فرهنگی غرب است. طبق این سند، یونسکو به‌عنوان مرکزی ذی‌صلاح برای تدوین و اجرای برنامه جهانی آموزش، در تحقق توسعه پایدار جهانی پذیرفته شده است. به گونه‌ای که این سند جهانی، تعهدات و الزاماتی را برای کشورهایی که آن را پذیرند، به دنبال خواهد داشت و عدم پایبندی به آنها، پیامدهای ناگواری به دنبال دارد. افزون بر این، آموزش شهروندی جهانی، مستلزم گذر از بسیاری از ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در سطح خانواده، مدرسه و جامعه و پذیرش حاکمیت فرهنگ لیبرالی غرب است. هدف سند ۲۰۳۰، که به صراحت در متن آن آمده است، جهانی‌سازی فرهنگ غربی، و دگرگون‌سازی جامعه بشری بر اساس فرهنگ اومانیستی غربی است.

سند ۲۰۳۰ با استفاده از عناوینی مانند «ترویج شیوه‌های زندگی پایدار»، «تساوی جنسیتی»، «ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت»، «شهروندی جهانی»، «احترام به تنوع فرهنگی» و «همکاری‌های بین‌المللی برای تربیت معلم» در کشورهای در حال توسعه (ر.ک: اهدا: ۱-۵-۱۶)، در پی رواج فرهنگ و سبک زندگی غربی و کم‌رنگ

نمودن دین در مدارس است. این هدف با شیوه تغییر محتوای کتب آموزشی مدارس و آموزش معلمان زیر نظر سازمان غربی یونسکو اجرا می‌شود.

در حالی در منطق قرآن، سلطه بیگانگان بر مسلمانان مردود است. افزون بر اینکه، آیات قرآنی مسلمانان را از دوستی با کفار نهی کرده است. برخی آیات در این باب، عبارتند از:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳)؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

«لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

همچنین، برخی آیات قرآنی که به استقلال و عدم اعتماد و اتکاء بر کفار تأکید می‌کند، عبارتند از:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَ يُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران: ۲۸)؛ افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خدا گسسته می‌شود)، مگر اینکه از آنها پرهیزید (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد و بازگشت (شما) به سوی خداست.

«الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹)؛ همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند، آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست!؛

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۴۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید، دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید!؛

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (مائده: ۵۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه‌گاه خود) انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَ لَعِبًا مِنْ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُمَ مُؤْمِنِينَ» (مائده: ۵۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند- از اهل کتاب و مشرکان- ولی خود انتخاب نکنید و از خدا پرهیزید اگر ایمان دارید.

«وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَوَعَدَهُمْ أَذَلُّوا لَأَنِزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا لَهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (مائده: ۸۱)؛ و اگر به خدا و پیامبر ﷺ و آنچه بر او نازل شده، ایمان می‌آوردند، (هرگز) آنان [کافران] را به دوستی اختیار نمی‌کردند ولی بسیاری از آنها فاسقند.

۳. حذف بسیاری از ارزش‌های دینی، فرهنگی و ملی از متون آموزشی

تأکید بسیاری از بندهای این سند، از جمله پذیرش «برابری»، «تفکیک» و «آموزش» جنسی، مستلزم حذف بسیاری از قوانین اسلامی از متون درسی نظام آموزشی و گنجاندن آموزش‌های جنسی غربی است. فرهنگ جنسیتی غرب و شیوه‌های آموزش جنسی غربی، مغایر با ارزش‌های اسلامی است. برای نمونه، مراد از «کودک» در اسناد، میثاق و کنوانسیون‌های بین‌المللی، نه کودک ۵، ۶ ساله در منابع و آموزه‌های دینی، بلکه افراد زیر ۱۸ سال می‌باشد. این اختلاف برداشت، ما را موظف می‌کند که اختلاط دختر و پسر را در همه سطوح آموزشی بپذیریم. افزون بر این، پذیرش همجنس‌گرایی، برابری جنسیتی در همه عرصه‌ها، و حتی آموزش جنسی را در نظام آموزش رسمی پذیرا باشیم.

با نگاهی اجمالی، در روبه‌نهادهای بین‌المللی مصادیقی از حذف ارزش‌های دینی عبارتند از:

۱. مخالفت کمیته منع تبعیض علیه زنان، با واژه «عدالت جنسیتی» و منع کشورهای عضو از کاربرد این اصطلاح (پیوست ۲، ص ۴).
 ۲. جرم‌زدایی از جرایم جنسی: زنا و... (پیوست ۱، ص ۱۷).
 ۳. توسعه قلمرو اصل تبعیض به همجنس‌گرایان (پیوست ۲، ص ۷ و ص ۸).
 ۴. جرم‌زدایی و منع تبعیض علیه زنان همجنس‌گرا و شاغل در فحشا و روسپیگری (پیوست ۳، ص ۴۲).
 ۵. منع مداخله شوهر در امر باروری و فرزندآوری (پیوست ۲، ص ۲۳).
 ۶. منع مداخله شوهر در سقط جنین (پیوست ۲، ص ۲۳).
 ۷. نسخ و ملغی نمودن قوانین محدودکننده سقط جنین (پیوست ۱، ص ۲۰ و ص ۲۲).
 ۸. منع لزوم اذن شوهر برای دریافت گذرنامه (پیوست ۲، ص ۹).
 ۹. اعتراض به لزوم اذن شوهر در خروج از منزل (پیوست ۱، ص ۲۱).
 ۱۰. تأکید بر افزایش سن دختران به ۱۸ سال در ازدواج (پیوست ۱، ص ۲۳).
 ۱۱. جرم‌انگاری و مجازات برای ازدواج دختران زیر هجده سال (پیوست ۱، ص ۲۳ و ص ۲۴).
 ۱۲. اعتراض به عدم برابری زن و شوهر در طلاق، حضانت فرزند، ارث (پیوست ۱، ص ۲۱).
 ۱۳. نهادینه کردن تجاوز جنسی زناشویی در روابط زوجین (پیوست ۱، ص ۱۸ و ص ۱۹).
- با اندک تأمل در بندها و گزاره‌های فوق، که در سند ۲۰۳۰ و یا در میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مطرح می‌باشد، تضاد و تعارض جدی آنها با مبانی دینی به دست می‌آید.

افزون بر این، واژه «نفی خشونت»، و توصیه به پذیرش «تنوع فرهنگی» در اسناد بین‌المللی، کلیدواژه‌ای در غرب برای زدودن همه آثار و نمادها و ارزش‌های دین است. از این جمله، کنار گذاشتن حق دفاع مشروع مظلوم، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، آمادگی برای دفاع از کیان دین و نظام اسلامی، حذف بسیج دانش‌آموزی، دانشجویی و کاهش عنصر مقاومت ... است. از این‌رو، حذف روز ملی مبارزه با آمریکا، روز قدس، هفته دفاع مقدس، درس شهید فهمیده، و... از فرهنگ جامعه دینی و متون آموزشی امری عادی است. افزون بر این، پذیرش «تسهیل پایش پدیده حذف اجتماعی در آموزش»، به معنای تسلیم در برابر گروه‌های غیرقانونی و پیروان فرق ضاله و انحرافی و تسلیم شدن در برابر خواسته‌های آنهاست. با سند ۲۰۳۰ حتی باید عقاید انحرافی مانند بهائیت و همجنس‌بازان و رفتار انحرافی آنان را، که قرآن کریم با آن برخورد شدید کرده مانند قوم لوط، تحت عنوان «تنوع فرهنگی»، به رسمیت شناخت!

۴. پذیرش رسمی نفوذ غرب در ارکان نظام اسلامی

واژه «آموزش بین فرهنگی» در سند ۲۰۳۰، به دنبال ترویج تساهل و تسامح فرهنگ غربی است. در واقع، این سند ابزاری برای تحقق و روان‌سازی پروژه «نفوذ» غربی در ارکان نظام اسلامی است؛ چرا که از یک سو، در این سند نظارت جهانی بر توسعه پایدار نظام آموزشی پذیرفته شده است. پذیرش «نظارت جهانی»، یعنی دخالت در امور داخلی و کاپیتولاسیون فرهنگی. این، یکی از بزرگترین پروژه‌های سازمان ملل متحد برای مهندسی فرهنگی و تغییر در سطح جهان است که در امتداد پروژه‌هایی جهانی‌سازی و نفوذ نرم صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، الزام دولت‌ها به «زاهبرد پاسخگویی و اقدام دولت»، شناسایی منافذ ورود دشمن از سوی سازمان‌های جهانی است.

در نظام حقوق بین‌الملل بشر معاصر، گزارش‌دهی دوره‌ای دولت‌ها، به‌عنوان یکی از سازوکارها و شیوه‌های «نظارتی» عملکرد دولت‌ها در اتمام به اجرای مفاد کنوانسیون‌ها و معاهدات حقوق بشری مورد تأکید قرار دارد. گزارش دولت، توسط نهاد نظارتی ذیربط مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و گزارشی با عنوان (Concluding Observations) یا «ملاحظات نهائی» از سوی آن منتشر می‌گردد که حاوی نقطه نظرات نهاد حقوق بشری در مورد عملکرد همان دولت می‌باشد. این موضوع حائز اهمیت است؛ چرا که تا حدودی جنبه الگودهی دارد و به‌منزله نقشه راه مطلوب برای نهاد مربوط، مورد توجه قرار می‌گیرد. نکته بسیار مهم، استناد و ارجاع مستقیم نهادهای بین‌المللی نظارتی، به نظریات تفسیری خود، علی‌رغم تصریح به ماهیت غیرالزام‌آور آنها است. برخی از این مراکز مهم، افزون بر سند و معاهده بین‌المللی ۲۰۳۰، عبارتند از:

۱. کمیته حقوق کودک (CRC): نهاد نظارتی بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک؛
۲. کمیته حقوق بشر (HRC): نهاد نظارتی بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی؛

۳. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR): نهاد نظارتی بر اجرای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛

۴. کمیته منع تبعیض علیه زنان (CEDAW): نهاد نظارتی بر اجرای کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛

در همین زمینه رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

من محاسبه می‌کردم با خودم، دیدم شاید حدود ده راه مهم را برای نفوذ در کشور پیدا کرده‌اند و دارند عمل می‌کنند. همین حالا دارند عمل می‌کنند. یکی، راه علمی است. از طریق ارتباط با دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد، ارتباط با دانشجو، کنفرانس‌های به ظاهر علمی، ولی در باطن برای نفوذ. افراد امنیتی را اینجا می‌فرستند. این یکی از راه‌هاست. یکی از راه‌ها، راه‌های فرهنگی و هنری است. مأمور مستقیم دستگاه‌های امنیتی را به‌عنوان یک فرد صاحب هنر برای فرض کنید، جشنواره موسیقی معین می‌کنند که بفرستند... یعنی به‌عنوان حضور در یک جشنواره هنری کسی را انتخاب می‌کنند که این آدم، صددرصد سیاسی و امنیتی است. به‌عنوان فرد هنری اینجا می‌فرستند. خوب، برای چه می‌فرستند؟ (دیدار با خبرنگار رهبری، ۲۰/۱۲/۱۳۹۴).

موارد بسیاری از دخالت صریح در کشورها در جای جای سند ۲۰۳۰ تصریح شده است. برخی از اینها عبارتند از:

- «ایجاد نظام‌های حفاظتی، اجتماعی و برنامه‌های اجرایی نهادهای بین‌المللی در کشورها»؛

- «ایجاد بانک‌های ژنوم گیاهی و حیوانی (ترویج محصولات تراریخته) در کشورهای در حال توسعه و به دست گرفتن قوانین صادرات کشاورزی کشورها توسط سازمان تجارت جهانی»؛

- «اجرای برنامه‌های بهداشتی» (هدف: ۲ و ۶). مانند بهداشت باروری با سیاست کاهش جمعیت در کشورهای در حال توسعه، ترویج آموزش جنسی میان کودکان و نوجوانان و جرم دانستن ازدواج زیر ۱۸ سال و... .

- «ترویج رشد اقتصادی پایدار و کار شایسته» (هدف: ۸)، از بین بردن استقلال اقتصادی و اجتماعی کشورها.

- «ارتقای زیرساخت‌های تاب‌آور و صنعتی فراگیر» و «بازبینی و پیگیری» (هدف: ۹)، که لازمه آن، نظارت

سازمان‌های بین‌المللی است. این امر موجب نفوذ کامل سازمان‌های بین‌المللی تحت نفوذ کشورهای غربی، و دسترسی آسان غربی‌ها، به اطلاعات صنعتی کشورها می‌باشد.

- «تبدیل شهرها به مکان‌های همه شمول، امن و مقاوم» (هدف: ۱۱)، اجرای طرح‌ها و اتخاذ سیاست‌های

یکپارچه، برگرفته از اسناد بین‌المللی، موجب تسلط سازمان‌های بین‌المللی تحت نفوذ غرب بر ساخت و ساز شهرها و جوامع و آگاهی کامل بر اطلاعات جغرافیایی آنها می‌شود.

- دستیابی به اطلاعات کشورها و دست‌اندازی به بسیاری از مناطق با عنوان «ارتقای بوم سازگان‌های زمینی و

مدیریت جنگل‌ها و جلوگیری از تخریب تنوع زیستی» (هدف: ۱۲ و ۱۱)، بیانگر نفوذ سازمان‌های بین‌المللی و استعمارگران در کشورها است.

- رواج روحیه تسلیم در مقابل بیگانگان، و اطاعت‌پذیری و انفعال کشورها در برابر سلطه استعمارگران غربی، با عنوان «بجاد جوامع صلح‌جو و فراگیر» (هدف: ۱۶)، «ترویج حاکمیت قانون بین‌المللی»، در حقیقت بهانه‌ای برای تسلط کشورهای استعمارگر است.

- تضمین تسلط کامل سازمان‌های بین‌المللی وابسته به استعمارگران بر کشورها، با عنوان «تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای توسعه پایدار» (هدف: ۱۷)، بیانگر تسلط کامل بر کشورها است که راهکارهایی هم برای آن ارائه شده است. از جمله، در اختیار گذاشتن کامل اطلاعات همه کشورها به سازمان‌های بین‌المللی و الکترونیکی کردن آنها، به بهانه کم کردن بار گزارش‌دهی دولت‌ها؛ و تعهد به بازبینی و پیگیری سازمان‌های بین‌المللی از روند اجرای سند ۲۰۳۰.

نفی حاکمیت ملی و وابستگی در تصمیم‌گیری‌های کلان، از جمله پیامد پذیرش این سند است. هر چند در این سند، از واژه «حاکمیت مستقل» استفاده می‌کند، اما بلافاصله چند خط بعد، با عنوان واژه‌هایی مانند «تعهد به حقوق بین‌الملل» و «دستور کار»، به طور کامل واژه «حاکمیت مستقل» را نفی و نقض می‌کند.

نقد و بررسی سند ۲۰۳۰

۱. چالش با مبانی اندیشه اسلامی

چالش با مبانی اسلامی از جمله لوازم پذیرش سند ۲۰۳۰ است؛ زیرا بر اساس این سند، تحول و نوسازی نظام آموزشی کشور، نه بر اساس فلسفه تربیت اسلامی، بلکه باید مبتنی بر فلسفه تربیتی غرب شکل گیرد. افزون بر اینکه مطابق این سند، ابتدای شاخص‌های پایش و ارزیابی تحول و نوسازی نظام آموزش کشور، باید بر اساس شاخص‌ها و استانداردهای بین‌المللی باشد. این به معنای این است که شاخص‌ها و استانداردهای ملی و بومی بی‌معنا و نامعتبرند.

- مفهوم «برابری جنسیتی» و «ضرورت توجه به برابری جنسیتی»، علاوه بر اینکه نباید موجب نقض حقوق بشر شود، فوایدی و مزایای اجتماعی و اقتصادی در زمینه آموزش دختران و زنان... دارد (هدف: ۴-۵)، از نظر انطباق با موازین شرعی و قوانین داخلی، محل بحث و تأمل جدی است.

- در این سند به عناوینی مانند «پایان دادن به همه اشکال تبعیض علیه زنان و دختران در همه جا»، «ریشه‌کنی انواع خشونت علیه زنان و دختران»، «در اختیار قرار دادن فرصت‌های برابر با مردان و دسترسی به بهداشت باروری و جنسی»، اشاره شده است. کمیته رفع تبعیض، که بر روند اجرای اسناد بین‌المللی نظارت می‌کند، مصداق‌های تبعیض را موارد زیر می‌داند: حجاب، جُرمانگاری روابط جنسی، جُرمانگاری و عدم آزادی همجنس‌گرایی، مخالفت با سرپرستی شوهر در زندگی، قوانین محدودکننده سقط جنین و بسیاری دیگر (کمیته رفع تبعیض، ۲۰۱۳، پاراگراف ۴). این امور جملگی مخالف صریح احکام قطعی اسلام است.

- این گزاره در سند ۲۰۳۰، که «تفکیک جنسیتی در محیط آموزش مصداق خشونت جنسیتی است» و تأکید بر حسیت‌محور بودن فضاهای آموزشی، ناظر بر اختلاط است. درحالی‌که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، با توجه به تفاوت‌های جنسیتی، باید به دختران و پسران برای نقش‌پذیری بهینه در آینده در خانواده آموزش‌های لازم و مستقل جداگانه داده شوند. درحالی‌که از منظر اسناد و نهادهای بین‌المللی، تفکیک جنسیتی یکی از مصادیق اعمال تبعیض جنسیتی و خشونت جنسی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد، هدف از آموزش زنان و دختران برای تحقق برابری جنسیتی، نگاه ابزاری به زن و ابزار شدن زنان برای التذاذ مردان است. درحالی‌که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، باید به تناسب تفاوت‌ها و ویژگی‌های طبیعی دختران و پسران، امکانات آموزشی متناسب ارائه شود و جداسازی آموزش دختران و پسران، یکی از اقدامات مؤثر در جهت تضمین برخورداری دختران از حقوق و نیز پیشگیری از ارتکاب اشکال مختلف خشونت علیه دختران توسط گروه همسالان پسر می‌باشد. برای نمونه، در رویه نهادهای بین‌المللی، مفهوم «کلیشه‌های جنسیتی»، ناظر بر هرگونه نقش‌پذیری متفاوت زنان و مردان در خانواده می‌باشد. درحالی‌که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، اساساً یکی از شاخه‌ها و ملاک‌ها، آموزش کودکان و نوجوان متناسب با ویژگی‌های طبیعی و خلقتی است که بتواند زمینه‌سازی نقش‌پذیری بهینه آنان در آینده در عرصه خانواده و اجتماع شود. این نوع نگرش، اساساً در مفهوم‌سازی «کلیشه‌های جنسیتی»، در رویه نهادهای بین‌المللی، قابل پذیرش نیست. در سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش»، بر لزوم آموزش دختران و پسران با توجه به ویژگی‌های طبیعی و خلقتی تأکید شده است (همان). از این رو، هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی، باید بر مبنای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و مفاد سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش صورت گیرد.

- در خصوص «آموزش جنسی» هم قطعاً باید هرگونه آموزش در چارچوب موازین اخلاقی، شرعی و قانونی صورت گیرد. در این میان، نباید نقش و جایگاه خانواده را نادیده گرفت و این نقش بر عهده والدین است. اما آموزش جنسی در چارچوب آموزش رسمی، در عمل منجر به گرفتن ابتکار عمل از والدین در این عرصه است. در سند تحول بنیادین، بر لزوم آموزش دختران و پسران با کارکردهای خانواده و وظایف آن و زمینه‌سازی ایفای بهینه نقش‌های خانوادگی در آینده، توسط آنان تأکید شده است. درحالی‌که مفهوم آموزش جنسی و تنظیم خانواده در رویه نهادهای بین‌المللی، ناظر بر به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های جنسی نامشروع برای نوجوانان است. این امر، قطعاً در تعارض با مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است.

- گزاره «هنجارها و ارزش‌های فرهنگی مانع تحصیل دختران می‌شود» (رک: هدف ۴-۵)؛ با فرض صحت، در مقابل ادعای احترام به فرهنگ‌ها و تکرر فرهنگ‌ها و ارزش‌های حاکم چگونه معنادار است؟ جز اینکه مقصود این است که قائل به فرهنگ واحد جهانی باشیم، فرهنگ‌ها زمانی قابل احترام هستند که زیر چتر فرهنگ جهانی غربی باشند. به عبارت دیگر، باید ارزش‌های برخی فرهنگ‌ها، متناسب با ارزش‌های جهانی و در راستای توسعه پایدار معنادار باشد.

- عبارت «ممانعت از ازدواج زودرس، به دلیل دورماندن از تحصیل و آموزش» (ر.ک: کمیسیون ملی یونسکو- ایران، ۱۳۹۵، ص ۲۹ و ۷۵)، تداوم سناریوی افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری زنان و خاکستری کردن جمعیت است که در تعارض مستقیم با سیاست‌های کلی نظام در خصوص رویکرد جمعیتی است.

۲. چالش‌های حقوقی و امنیتی

تبادلات و تعاملات اطلاعاتی و انسانی بر اساس پروتکل‌های بین‌المللی، خطر ایجاد نفوذ عناصر بیگانه و افشای نظام‌مند اطلاعات حساس نظام‌های آموزشی و علم و فناوری کشور برای بیگانگان را به دنبال دارد. تسلط بیگانگان بر مرزهای آبی کشورها، با عنوان «تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب و بهداشت» (هدف: ۶)، از جمله چالش‌های امنیتی است. «مدیریت پایدار منابع آب مشترک یا بین مرزی» (همان)، عنوانی در سند می‌باشد که نتیجه آن تسلط بر مرزهای آبی کشورها است. پرداختن و ارجاعات به اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان ملی، به صورت نمادین و نمایشی، در مقابل مبنای عمل قرار گرفتن اسناد و توافقات بین‌المللی در برنامه‌ها، از جمله چالش‌های حقوقی در سند آموزش ۲۰۳۰ است.

- عبارت «تربیت مربی» و انطباق این بحث بر مبنای رویه نهادهای بین‌المللی، با قوانین و سیاست‌های کلی داخلی تردید وجود دارد. تربیت معلمان و مربیان کارآمد، قطعاً یکی از بنیان‌های اصلی اصلاح و تحول در نظام آموزش و پرورش است، اما نکته مهم این است که هرگونه آموزش و توان افزایی، به لحاظ شکلی و ماهوی، باید در چارچوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی صورت گیرد. هرگونه تحمیل تعهد قابل پذیرش نیست. این مهم دارای پیامدهای ناگواری و حفره‌های امنیتی است؛ چرا که تمرکز بسیار دقیق بر پاشنه آشیل نظام تعلیم و تربیت یعنی «تربیت معلم» (هدف: ۴-ج) و «رقابتی کردن تربیت معلم» (همان)، به منزله «برون‌سپاری» این امر است و برای غلبه بر چالش فقدان زیرساخت مدیریت دانش، ما نیازمند جذب معلم از خارج از کشور خواهیم شد.

- «بازبینی محتوا و کتب درسی» مطابق با رهیافت این سند، محل تأمل جدی قرار دارد. محتوای آموزش در نظام آموزش و پرورش ج.ا.ا. باید تضمین‌کننده تحقق وضع مطلوب زندگی بشر باشد. البته این وضعیت مطلوب، با محتوای مدنظر نهادهای بین‌المللی بسیار فاصله داشته، و با مبانی سکولاری نهادهای بین‌المللی در تعارض می‌باشد.

- عبارت «راهبرد پاسخگویی و اقدام دولت» در سند هرگز قابل پذیرش نیست؛ اینکه همه دولت‌ها یکپارچه در قبال معاهدات حقوق بشری از جمله کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها و توافق‌نامه‌ها و پروتکل‌ها ملزم و متعهد به پاسخگویی شده‌اند. افزون بر اینکه، مبنای تعهد و پاسخگویی دولت ج.ا.ا. به طور شفاف و دقیق مشخص نمی‌باشد؛ در سند ۲۰۳۰، از دولت‌ها درخواست شده است که برای تحقق برابری جنسیتی، در کلیه برنامه‌ها و نظام‌های آموزشی، تضمین داده، ظرفیت‌سازی و سرمایه‌گذاری لازم را اتخاذ نمایند. این امر، نهادینه‌سازی پروژه نفوذ است که از نظر امنیتی قابل پذیرش نیست.

- تحقق اجرای سند ۲۰۳۰، مستلزم همکاری و التزام‌پذیری دولت‌ها است. هر چند سند به لحاظ حقوقی، اساساً واجد خصیصه الزام‌آور بودن نمی‌باشد و صرفاً نهادهای بین‌المللی با ایجاد یک جریان‌سازی خلاف واقع، درصدد تحمیل تعهدات بین‌المللی بر دولت‌ها هستند، اما این تعبیر که «لازم است تا دولت‌ها از همسو بودن سیاست‌گذاری‌های انجام شده با تعهدات قانونی خود برای رعایت حق آموزش، حفظ و تحقق این حق اطمینان حاصل نمایند»، حکایت از الزام دولت به سند ۲۰۳۰ دارد. افزون بر این، در عهدنامه ۱۹۶۹ وین، در خصوص معاهدات که حاکم بر همه معاهدات است، در بند ۱ ماده ۲ تصریح می‌کند: «معاهده عبارت است از: یک توافق بین‌المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده باشد». ماده ۷ کنوانسیون وین نیز می‌گوید: صرف یک عمل و رفتار در پذیرش مفاد یک قرارداد، دال بر رضایت در یک معاهده بین‌المللی است و مسئولیت‌های حقوقی به همراه خواهد داشت. در واقع «عمل به جای رضایت مکتوب مسموع» است. بر اساس ماده ۲۵ معاهده وین نیز این سند دارای خصیصه الزام‌آوری است. این موضوع، از نظر حقوقی قابل پذیرش نیست و با استقلال دولت‌ها در تعارض می‌باشد.

- «ارسال گزارشات دقیق از مجاری متفاوت به یونسکو»، دقیقاً تکمیل پازل پروژه نفوذ می‌باشد و از نظر بعد امنیتی، موجب گسل و گسست در ارکان نظام ج.ا.ا. است.

۳. چالش با فلسفه ارسال رسل و تشکیل حکومت

افزون بر اشکالات فوق، سند ۲۰۳۰ با روح اسلام، رسالت انبیاء و فلسفه تشکیل حکومت در اسلام در تعارض است. با نگاهی اجمالی و مقایسه‌ای به هدف از «سیاست» و تشکیل «حکومت» در دنیای معاصر و اسلام، به نوعی تلقی متفاوت از حکومت در اسلام و سایر مکاتب معاصر برخورد می‌کنیم. اجمالاً، می‌توان به پنج نوع تلقی از تشکیل حکومت و سیاست اشاره کرد: سیاست به منزله کوشش برای کسب قدرت (ارون، ۱۳۶۶، ص ۱۵)؛ سیاست به منزله مطالعه دولت (کلایمر، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۳)؛ سیاست مجموعه تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند (بخشی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۲)؛ سیاست «کاربرد قدرت» و یا «پیکار بر سر قدرت» است (علی‌بابائی، ۱۳۶۹، ص ۲۵۴)؛ سیاست به صلاح بازآوردن مردم است به وسیله ارشاد ایشان به راه نجات در دنیا و آخرت، و آن از سوی انبیاء برای خاصه و عامه در ظاهر و باطن است و... (رک: حلبی، ۱۳۸۰).

از میان فلسفه‌های فوق برای تشکیل حکومت در دنیای معاصر، قطعاً در اسلام جز معنای اخیر پذیرفتنی نیست. وظیفه دولت اسلامی هدایت و تربیت و به صلاح واداشتن مردم است. حکومت اسلامی باید نگران دنیا و آخرت مردم باشد. از نظر بنیانگذار نظام اسلامی، امام خمینی^ع، سیاست همان هدایت دینی جامعه از طریق اصلاح خلق در بعد وسیع آن است:

سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد. تمام مصالح جامعه را مد نظر بگیرد و اینها را

هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاح‌شان است. صلاح ملت است، صلاح افراد است و این مختص انبیاء است و دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص انبیاء و اولیاء است و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۳، ص ۲۱۷).

امیرمؤمنان، علی علیه السلام به زیبایی تمام همین معنا را بیان می‌کنند:

خداوندا تو می‌دانی اقدامی که از ما برای به دست آوردن زمامداری انجام گرفت، برای رقابت در به دست گرفتن سلطه و خواستن متاع ناپایدار دنیا نبود، بلکه برای این بود که به اصول و حقایق دین تو وارد شویم و در شهرهای تو اصلاح انجام دهیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ها در امنیت قرار گیرند و حدودی را که برای حیات مادی و معنوی بندگان مقدر فرموده‌ای، بر پا سازیم (نهج‌البلاغه، خ ۱۳۱).

هدف از تشکیل حکومت در اسلام، برخلاف دیدگاه مادیون، که صرفاً تأمین نیازمندی‌های مادی انسان را هدف خود قرار داده‌اند، انبیاء الهی، بخصوص پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله بر این باور بودند که حکومت، علاوه بر تأمین مصالح و نیازمندی‌های مادی، باید درصدد تأمین مصالح معنوی نیز باشد. حتی تأمین مصالح معنوی، اهم و ارجح و مقدم بر تأمین مصالح مادی است؛ زیرا قرب به خدا هدف نهایی خلقت است، و مجهز شدن انسان به ابزار معنوی، تنها راه کسب این مقام است و تأمین نیازمندی‌های مادی، مقدمه آن خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۹).

با مراجعه به قرآن کریم و معارف اهل بیت علیهم السلام، اهداف تشکیل حکومت در اسلام را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد: اجرای قسط و عدالت (حدید: ۲۵)؛ زمینه‌سازی برای تربیت، تزکیه نفس و رشد جامعه در جنبه‌های علمی و اخلاقی (آل عمران: ۱۶۴)، ابلاغ معارف الهی و دینی به مردم (توبه: ۳۳)؛ توسعه و رشد اقتصادی، عمران و آبادی جامعه و بلاد (نهج‌البلاغه، نامه به مالک‌اشتر)؛ بسترسازی بندگی خدا و سیر الی‌الله و تکامل انسانی و رسیدن به مقام قرب الهی که هدف تربیت انسان است (حج: ۴۱؛ نحل: ۳۶).

بنابراین، با اندک تأمل باید گفت: اساس و فلسفه ارسال رسل و بعثت انبیاء و نیز تشکیل حکومت در اسلام، وسیله‌ای برای اجرای احکام و حدود الهی، تحقق ارزش‌ها و هنجارهای دینی، هدایت و راهبری مؤمنان به سمت و سوی تربیت دینی، برقراری عدالت اجتماعی و فراهم آوردن زمینه رشد و تعالی انسان‌هاست. از یک سو، حکومت و رهبری، امانت و مسئولیتی الهی است و وظیفه کارگزاران نظام سیاسی در اسلام، نقش هدایت‌گرایانه و الگویی دارند. از سوی دیگر، مردم در نظام سیاسی اسلام، علاوه بر پذیرش ولایت الهی، باید با مشارکت و همکاری و ایفای نقش مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر، پاسدار ارزش‌های اسلامی باشند (مرزوقی، ۱۳۷۹).

از این‌رو، با عنایت به اهداف، رسالت، فلسفه و کارکردهای نظام سیاسی در جامعه، نقش بی‌بدیل نظام سیاسی در جامعه‌پذیری دینی و تربیت سیاسی افراد، و نقش برجسته و تعامل دو سویه نظام سیاسی و نظام تعلیم و تربیت آشکار می‌گردد. در جهان‌بینی اسلامی، هدف غایی و آرمانی، هدایت و رشد الهی انسان است. این هدف و جهت‌گیری باید در همه شئون حکومتی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی تبلور یابد. نیل به چنین جامعه‌ای مطلوب و آرمانی، تنها با تکیه بر بنیاد تربیت صحیح امکان‌پذیر است و اساساً رمز پایداری و ماندگاری حکومت‌ها در گرو

تربیت است؛ یعنی آموزش و پرورش شهروندان هر حکومت، باید متناسب با مبانی و اصول آن انجام پذیرد (عنايت، ۱۳۵۱، ص ۳۲۷). حکومت، کانون اصلی و محور گردان زندگی اجتماعی است. کار ویژه نظام سیاسی، تربیت شهروندان و هدایت آنان و تربیت دینی شهروندان است.

بر اساس آنچه از محتوای سند ۲۰۳۰ گذشت، تضاد آشکار این سند با فلسفه تشکیل حکومت و ارسال رسل آشکار می‌گردد. تربیت شهروندان باید بر اساس مبانی اندیشه‌ای و دینی و آموزه‌های قرآنی صورت گیرد، نه بر اساس مبانی اومانیستی و سکولاری.

۴. تعهدات مغایر با آموزه‌های دین در سند

با نگاهی اجمالی، و بدون نیاز به تطبیق اسناد بین‌المللی با آموزه‌های دینی، اساس و روح و تک‌تک مواد معاهدات بین‌المللی، به ویژه سند ۲۰۳۰، اندک سازگاری با معارف دینی ندارد. در خصوص تعهدات موجود در این سند، باید گفت: بسیاری از تعهدات با روح و اساس معارف و آموزه‌های دین سازگاری ندارد. برخی از این تعهدات ناسازگار عبارتند از:

۱. موضوع حق شرط

برخی موافقان این سند و سایر توافق‌نامه‌های بین‌المللی، بر این باورند که پذیرش این‌گونه اسناد مشروط است. برای نمونه، در یکی از استدلال‌ها برای حمایت از الحاق ایران به «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» آمده است که در صورت الحاق ایران به این کنوانسیون، الحاق با حق شرط (reservation) خواهد بود و جمهوری اسلامی ایران تنها در مواردی که مخالف شرع نباشد، خود را متعهد به این کنوانسیون می‌سازد. در پاسخ به این استدلال باید گفت: مطابق بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون، اساساً هرگونه حق شرط نسبت به کنوانسیون که با هدف و روح حاکم بر کنوانسیون مخالف باشد، مورد پذیرش نخواهد بود.^۸ حال آنکه مخالفت این سند با ارزش‌ها و احکام اسلامی در موارد قابل توجهی، در سطح اهداف و مقاصد اساسی و راهبردهای کلان آن است.

طبق ماده ۱۹ کنوانسیون وین، در مورد حقوق معاهدات، که به بحث از صورتبندی تحفظ در معاهدات بین‌المللی می‌پردازد، هر کشوری با سه شرط می‌تواند نسبت به یک معاهده اعلام تحفظ کند. شرط سوم این شروط سه‌گانه این است که تحفظ «با هدف و مقصد از معاهده ناسازگار نباشد». افزون بر این، از نظر اصولی نیز شرط خلاف مقتضای عقد، مفسد اصل عقد است و الحاق با چنین شرطی اساساً باطل است. برای نمونه، اعلام تحفظ ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک که متنی شبیه اعلام تحفظ سند آموزش ۲۰۳۰ دارد، ضمن یادداشت اعتراض‌های جداگانه‌ای، دست‌کم از جانب نه کشور اروپایی، متعارض با هدف و مقصد اساسی این کنوانسیون، و کلی تشخیص داده شده و مورد اعتراض قرار گرفته است (Convention on the Rights of the Child.in: <http://web. Archive.org/ web/ 20050208040137/> <http://www.un.org/law/ilc/texts/treatfra.htm>

علاوه بر این، اعلام تحفظ هنگامی سودمند و معنادار است که هنگام برنامه‌ریزی برای اجرای سند در کشور، موارد مغایر با ارزش‌های دینی حذف گردد. درحالی‌که بررسی سند «ملی آموزش ۲۰۳۰» نشان می‌دهد این سند هیچ تفاوتی با سند جهانی ندارد و عیناً به همه اهداف و سیاست‌ها اشاره شده است.

افزون بر این، در خصوص حق شرط باید گفت: موارد متعددی وجود دارد که حق شرط توسط کشورهای عضویت کنوانسیون‌ها و معاهدات حقوق بشری را پذیرفته‌اند، عملاً بی‌اثر و ملغی و پذیرفته شده نیست. برای نمونه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کمیته منع تبعیض علیه زنان در ملاحظات نهایی خود به کشور افغانستان در سال ۲۰۱۳، از اقدام دولت افغانستان مبنی بر عضویت بدون حق شرط در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان استقبال نموده است (کمیته منع تبعیض، ۲۰۱۳، بند ۴).

۲. کمیته مزبور، در مورد کشور عراق در سال ۲۰۱۴، از تشکیل کمیته‌ای با حضور برخی وزاری این دولت و نمایندگانی از جامعه مدنی خبر می‌دهد که مأمور بررسی و بازنگری حق شرط این کشور به مواد ۲ و ۱۶ کنوانسیون هستند. کمیته دولت را ملزم نمود تا تلاش‌های خود را برای لغو حق شرط گسترش داده، اظهارت کمیته ناظر بر حق شرط را مورد توجه قرار دهد (همو، ۲۰۱۴، بند ۱۵-۱۶).

۳. کمیته حقوق کودک در ملاحظات نهایی خود به کشور مصر، در سال ۲۰۱۱، قویاً به دولت توصیه نموده که بازنگری در قوانین داخلی برای تضمین اجرای کامل مفاد کنوانسیون را ادامه دهد و از جمله لغو حق شرط‌های اعمال شده به مواد ۲ و ۱۶ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را مورد توجه قرار داده، تضمین دهد که مفاد کنوانسیون مستقیماً در محاکم داخلی مورد استناد قرار می‌گیرد (کمیته حقوق کودک، ۲۰۱۱، بند ۳-۴).

۴. همچنین، کمیته منع تبعیض علیه زنان، در ملاحظات نهایی خود، به کشور بحرین در سال ۲۰۱۴، از این دولت می‌خواهد که قوانین تبعیض‌آمیز داخلی از جمله مقررات تبعیض‌آمیز قانون مجازات و حقوق خانواده را بدون تأخیر و در زمان مشخص، مورد بازنگری قرار دهد و قوانین مزبور را اصلاح یا لغو نماید (کمیته منع تبعیض، ۲۰۱۴، بند ۹-۱۰).

۲. الزام کشورها به پذیرش کامل میثاق بین‌المللی

در خصوص الزام کشورها، به ویژه کشورهای اسلامی به بازنگری در قوانین جزایی و خانواده و پذیرش کامل میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز نمونه‌های فراوانی وجود دارد. نمونه زیر از این جمله است:

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ملاحظات نهایی خود در مورد کشور عراق در سال ۲۰۱۵، از عدم گنجانیدن و داخل نمودن مفاد میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظم حقوقی دولت عضو ابراز نگرانی نموده و اینکه مصادیق محدودی وجود دارد که مفاد میثاق در محاکم داخلی مورد استناد قرار گرفته است.

کمیته از دولت می‌خواهد که مفاد میثاق به طور کامل در حقوق داخلی وارد و آگاهی در مورد آن در گروه‌های قضات، و کلاء و مقامات رسمی افزایش یابد (کمیته حقوق اقتصادی، ۲۰۱۵، بند ۷-۸).

۳. الزام کشورها به بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات داخلی

در خصوص الزام کشورها به بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات داخلی نیز موارد مکرری وجود دارد. از جمله: کمیته حقوق کودک به کشور بحرین، در سال ۲۰۱۱، بازنگری قوانین ملی و اجرای برنامه‌های آموزشی با رویکرد محو تبعیض دوژوره و دفاکتو علیه دخترچه‌ها را توصیه نموده است. از منظر کمیته منع تبعیض علیه زنان، از جمله تعهدات دولت عضو در راستای تحقق برابری جنسیتی آن است که دولت‌های عضو، در صدد تحقق برابری قانونی (دوژوره) و برابری عملی (دوفاکتو) یا برابری ماهوی میان زنان و مردان باشند؛ به این معنا که علاوه بر تصویب قوانین و سیاست‌های متضمن برابری جنسیتی، باید در عمل و واقع نیز اجرای کلیه قوانین و سیاست‌های مزبور و تحقق برابری عملی در جامعه را تضمین نمایند (کمیته حقوق کودک، ۲۰۱۵، بند ۹-۱۶).

۴. الزام کشورها به شناسایی حقوق همجنس‌گراها

در این خصوص نیز موارد بسیاری وجود دارد. از جمله، ۱. کمیته حقوق بشر به کشور عراق در سال ۲۰۱۵، از اقدامات تبعیض‌آمیز بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسی و بدنام‌سازی اجتماعی و انزوای اجتماعی این افراد ابراز نگرانی نموده است. کمیته از فقدان شفافیت در مورد حقوق همجنس‌گرایان برای برگزاری اجتماعات صلح‌آمیز انتقاد نموده است. کمیته بر تنوع اخلاقی و فرهنگی در سطح بین‌المللی و اینکه این افراد باید موضوع اصول جهان‌شمولی حقوق بشر و منع تبعیض تصریح دارد (کمیته حقوق بشر، ۲۰۱۵، بند ۱۱).

۲. کمیته حقوق کودک در مورد گزارش دولت جمهوری اسلامی ایران، بر منع تبعیض بر مبنای گرایش جنسی علیه کودکان همجنس‌گرا از طریق جرم‌انگاری جرایم جنسی خصوصاً همجنس‌گرایی تأکید دارد. همچنین، این کمیته درباره گزارشات دوره‌ای ایران در سال ۲۰۱۶، صراحتاً از دولت ایران درخواست کرده است که از طریق جرم‌زدایی روابط جنسی میان افراد همجنس و اتخاذ اقدامات مؤثر در جهت امحای هرگونه تبعیض علیه کودکان همجنس‌گرا، به تعهدات خود بر طبق کنوانسیون حقوق کودک (اصل منع تبعیض) عمل نماید (کمیته حقوق کودک، ۲۰۱۶، بند ۳۲).

۳. کمیته منع تبعیض علیه زنان، در مورد وضعیت حقوق بشر در کشور ترکیه، ضمن استناد به عضویت دولت ترکیه در کنوانسیون اروپایی منع خشونت خانگی، و ضمن استناد به رویه دادگاه‌های ملی این کشور، تأکید کرده است که در این کشور نباید هیچ‌گونه مجازاتی در خصوص افراد همجنس‌گرا، حتی افرادی که بدون هیچ مبنای فیزیولوژیکی در صدد این اقدام برمی‌آیند، اعمال شود (کمیته منع تبعیض، ۲۰۱۶، بند ۳۲).

۴. کمیته مزبور، در مورد وضعیت حقوق بشر در کشور ترکیه، درخواست کرده است که این دولت با وضع قوانین کلی متضمن اصل منع تبعیض بر مبنای گرایش جنسی و منع تبعیض بر مبنای هویت جنسی، رسماً حقوق و آزادی‌های کلیه افراد همجنس‌گرا را به رسمیت بشناسد و از هرگونه جرم‌انگاری اقدامات آنها خودداری ورزد (همان).

۵. به رسمیت شناختن روابط نامشروع

در این زمینه، موارد زیر در اسناد بین‌المللی قابل ذکر است:

۱. کمیته حقوق کودک، در مورد کشور اردن بر لزوم امحای کلیه تقسیم‌بندی‌های قانونی مبنی بر کودکان مشروع و نامشروع تأکید نموده، بر لزوم تصویب یک استراتژی جامع جهت امحای کلیه اشکال تبعیض اعم از دوفاکتو و دوژوره، علیه کلیه گروه‌های آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده کودکان تأکید کرده است (کمیته حقوق کودک، ۲۰۱۶، بند ۱۶).

۲. کمیته منع تبعیض علیه زنان در کشور افغانستان در سال ۲۰۱۳، از بازداشت و تعقیب زنان و دختران به دلیل جرایم اخلاقی و اتهام به زنا (رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج)، مطابق قوانین افغانستان ابراز نارضایتی نموده است (کمیته منع تبعیض، ۲۰۱۳، بند ۱۴).

۳. کمیته منع تبعیض علیه زنان در کشور بحرین در سال ۲۰۱۴، در تلاش برای جرم‌زدایی از جرایم جنسی و نهادینه کردن تجاوز زناشویی در روابط زوجین، از قانون مجازات این کشور مبنی بر مستثنی نمودن تجاوز زناشویی از مجازات و تعقیب، ابراز نگرانی نموده است (کمیته منع تبعیض، ۲۰۱۴، بند ۲۱).

۴. کمیته حقوق کودک در تذکر به کشور افغانستان در سال ۲۰۱۳، از رویکردها و باورهای فرهنگی که مانع از درمان زنان توسط پزشکان مرد و دسترسی زنان به پیشگیری از بارداری بدون اجازه شوهر می‌باشد، ابراز نگرانی نموده است. همچنین، از جواز سقط جنین فقط در شرایط تهدید حیات مادر انتقاد نموده، این محدودیت‌ها را عاملی در تحقق سقط جنین غیرایمن دانسته است (همان، ۲۰۱۳، بند ۳۶).

۶. مخالفت با اجرای حقوق زنان در اسلام

همچنین نهادهای بین‌المللی در مواردی، به صراحت با اجرای آموزه‌های اسلامی در خصوص حقوق زنان در کشورهای اسلامی مخالفت کرده‌اند. برخی از این نمونه‌ها، عبارتند از:

۱. کمیته منع تبعیض علیه زنان، به کشور افغانستان در سال ۲۰۱۳، از قوانین داخلی از جمله اذن شوهر در خروج از منزل، عدم برابری زن و شوهر در طلاق و حضانت فرزند، نابرابری در ارث، حداقل ۱۰ سال سن برای ازدواج دختران و جواز تعدد زوجات و... انتقاد نموده است (همان، ص ۴۲).

۲. همچنین، الزام کشورهای اسلامی به امحای کلیه قوانین متضمن رفتار متفاوت با زنان و مردان در زمینه‌های مختلف از جمله چندموسری، ارث، تابعیت، حضانت و ولایت بر فرزندان، معافیت زنان شاغل در امر فحشاء از کلیه مسئولیت‌های قانونی، حمایت از افراد شاغل در فحشا (کمیته منع تبعیض علیه زنان، ۲۰۱۶، بند ۳۲).

نتیجه‌گیری

سند آموزشی ۲۰۳۰، توسط کمیسیون ملی یونسکو تدوین و در کشورهای مختلف از جمله ایران بومی‌سازی شده است. سند بومی‌سازی شده در ایران، به‌عنوان «سند ملی آموزش» مطرح است. این سند با مشارکت سازمان یونسکو و توسط کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰، تهیه و توسط دولت تصویب و جهت اجرا ابلاغ گردید. درحالی‌که در سال ۱۳۹۰، تدوین سیاست‌های کلان آموزشی در ایران تحت عنوان «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، تدوین و توسط رهبر فرزانه انقلاب به‌عنوان اسناد بالادستی نظام آموزشی، در نظام جمهوری اسلامی ایران ابلاغ گردید.

با مقایسه این دو سند و نیز مراجعه به آموزه‌های دینی و معارف ناب اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}، پذیرش سند ۲۰۳۰ یونسکو، دارای پیامدهای زیر است: پذیرش سند ۲۰۳۰، به‌عنوان میثاق بین‌المللی و سند بالادستی، پذیرش عملی سلطه فرهنگی غرب، متعهد شدن به حقوق بین‌الملل بشر، پذیرش برابری جنسیتی و حذف موانع آموزش جامع جنسیتی، حذف بسیاری از ارزش‌های دینی، فرهنگی و ملی از متون آموزشی، پذیرش رسمی نفوذ غرب در ارکان نظام اسلامی. در بررسی چالش‌های موجود نیز عمدتاً می‌توان به چالش این سند با مبانی اندیشه اسلامی، چالش‌های حقوقی و امنیتی و چالش با فلسفه ارسال رسل و تشکیل حکومت دینی و... اشاره کرد. در مجموع از اسناد و میثاق‌های بین‌المللی به دست می‌آید که مفاد این اسناد مطابق با فرهنگ و مانی اندیشه‌ای سکولاری تدوین و به دنبال جهانی‌سازی فرهنگ سکولاری غربی هستند. اصولاً، پذیرش این‌گونه اسناد، با هیچ منطق دینی مقبول نیست. لازمه حذاقلی پذیرش این‌گونه اسناد بین‌المللی، پذیرش مشروعیت نهادهای بین‌المللی در تدوین اصول و سیاست‌های کلان برای نظام اسلامی بر اساس مبانی سکولاری آنهاست.

پی‌نوشت‌ها

۱ توافق‌نامه مسقط عمان^۱ می ۲۰۱۴؛ بیانیه آموزش ۲۰۳۰ اینچئون کره جنوبی^۲ می ۲۰۱۵؛ قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس سران سپتامبر ۲۰۱۵ در نیویورک.

۲. در ایران، این سند با تصویب هیئت وزیران برای تشکیل کارگروه؛ به شماره ۷۶۴۰۳/۵۲۹۱۳ مورخ ۹۵/۶/۲۵ تشکیل ۳۰ کارگروه ملی با تمرکز بر وزارتخانه‌ها؛ تدوین «سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران» توسط کارگروه‌ها شکل اجرایی به خود گرفت.

۲. بیانیه این دستور کار با عنوان «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» منتشر گردید. این بیانیه دارای ۹۱ ماده و شامل ۱۷ هدف اصلی و چندین هدف فرعی است. در واقع سازمان ملل متحد، برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار، این ۱۷ هدف کلان را تعیین و تصویب نموده و کلیه آژانس‌های تخصصی بین‌المللی همچون یونسکو متعهد هستند که راهبرد میان مدت و بلندمدت خود را بر این اساس تنظیم کنند. از این رو، یونسکو به‌عنوان نهاد متولی امور آموزشی سازمان ملل متحد در نشستی که در خرداد ماه سال ۱۳۹۵ با حضور دبیران کل کمیسیون‌های ملی بیش از ۱۳۰ کشور در شهر شانگهای چین برگزار کرد، هدف چهارم را به اتفاق آرا به‌عنوان اولویت اول دستور کار جهانی ۲۰۳۰ تعیین نموده و تأکید کرد که آموزش، لازم است به‌عنوان اساس موفقیت سایر اهداف توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. در راستای هدف چهارم، بیانیه توسعه پایدار ۲۰۳۰ در اواخر اردیبهشت ۱۳۹۴ (۱۹ الی ۲۲ می سال ۲۰۱۵)، یونسکو با همکاری یونیسف، بانک جهانی، صندوق جمعیت ملل متحد، برنامه توسعه ملل متحد، آژانس زنان ملل متحد و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، مجمع جهانی آموزش را در اینچئون جمهوری کره برگزار کرد تا بتواند بیانیه آموزش ۲۰۳۰ را به امضای مسئولان کشورها رسانده، مقدمات پیگیری آن را مهیا نماید. در این نشست، بیانیه آموزش ۲۰۳۰ اینچئون (شامل ۲۰ ماده) را که برای ۱۵ سال آتی بر اساس دیدگاه یونسکو از آموزش ارائه شده بود، تصویب گردید. سپس، بیانیه نحوه عمل به بیانیه آموزش ۲۰۳۰ آماده و در سال ۲۰۱۵ به کشورها ارائه شد و آنها آن را تصویب کردند که شامل هدف چهارم توسعه پایدار با ۷ هدف جزئی آن، از سوی سازمان ملل ۱۱ شاخص جهانی و نیز چارچوب این شاخص‌ها ارائه شده است (کمیسیون ملی یونسکو- ایران، بی تا).

۴. این اهداف در بیانیه اینچئون کره جنوبی مطرح شده است. رک: بیانیه آموزش ۲۰۳۰ اینچئون کره جنوبی - می ۲۰۱۵. ۵. to supporting gender-sensitive policies, planning and learning environments; mainstreaming gender issues in teacher training and curricula; and eliminating gender-based discrimination and violence in schools

۶. In this regard, we strongly support the implementation of the Global Action Programme on ESD launched at the UNESCO World Conference on ESD in Aichi-Nagoya in 2014.

۷. اصول به کار رفته در تهیه این سند، برگرفته از اسناد و توافق‌نامه‌های بین‌المللی است. از جمله می‌توان به ماده ۲۶ بیانیه جهانی حقوق بشر، پیمان نامه مبارزه با تبعیض در آموزش، پیمان نامه حقوق کودک، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پیمان نامه سازمان ملل متحد در مورد حقوق معلولان، پیمان نامه رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، پیمان نامه مربوط به وضعیت پناهندگان، و قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد حق آموزش در شرایط اضطراری اشاره کرد که از نظر حقوقی لازم‌الاجرا هستند و ابعاد سیاسی و اخلاقی بسیار قوی دارند و به ایجاد چارچوب هنجاری بین‌المللی مستحکمی برای تحقق آموزش، به دور از هرگونه تبعیض و یا طرد منجر شده‌اند.

Article 28... 2: A reservation incompatible with the. 185 object and purpose of the present Convention shall not be permitted

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمه جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ارون، ریمون، ۱۳۶۶، *مراحل سیاسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، سازمان نشر آموزش انقلاب اسلامی.
- بخشی، علی آقا، ۱۳۸۳، *فرهنگ علوم سیاسی: انگلیسی-فارسی، فارسی-انگلیسی*، با همکاری مینو افشاری‌راد، تهران، چاپار.
- جفری، ساکس، ۱۳۸۴، *پروژه هزاره ملل متحد، ۲۰۰۵: سرمایه‌گذاری در توسعه؛ برنامه‌های عملی برای دستیابی به اهداف توسعه، هزاره، گروه مترجمین، تهران، برگ زیتون.*
- حلی، علی اصغر، ۱۳۸۰، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام*، تهران، اساطیر.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، آذر ماه.
- علی بابائی، غلامرضا، ۱۳۶۹، *فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل*، تهران، نشر سفی.
- عنایت، حمید، ۱۳۵۱، *بنیاد فلسفه سیاسی در غرب از هراکلیت تا هابز*، تهران، دانشگاه تهران.
- کمیسیون ملی یونسکو-ایران، آموزش ۲۰۳۰، به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه «چارچوب عمل ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵»، تهران.
- کمیسیون ملی یونسکو-ایران، بی‌تا، *دگرگون ساختن جهان ما، دستور کار ۲۰۳۰*، برای توسعه پایدار، ترجمه مهرناز پیروزی، سازمان ملل متحد.
- کلایمر، رودی، ۱۳۵۱، *آشنایی با علم سیاست*، ترجمه بهرام ملکوتی، تهران، سیمرخ.
- مرزوقی، رحمت‌الله، ۱۳۷۹، «بررسی رابطه حکومت و تربیت از دیدگاه امام علی (ع)»، *نشریه پژوهش‌های تربیت اسلامی*، ش ۴، ص ۶۸-۵۹.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۸، *نظریه سیاسی اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۰، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights, Concluding observations on the fourth periodic report of Iraq, E/C.12/IRQ/CO/4, 27 October 2015, paras. 7-8.
- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding 2.observations on the combined initial and second periodic reports of Afghanistan, CEDAW/C/AFG/CO/1-2, 30 July 2013, Para. 4
- Committee on the Elimination of Discrimination against Women Concluding observations on the combined fourth to sixth periodic reports of Iraq, CEDAW/C/IRQ/CO/4-6, 10 March 2014, paras. 15-16.
- Committee on the Rights of the Child, Concluding observations: Egypt, CRC/C/EGY/CO/3-4, 15 July 2011
- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding observations on the third periodic report of Bahrain, CEDAW/C/BHR/CO/3, 10 March 2014, Paras. 9-10.
- CEDAW, General recommendation No. 28 on the core obligations of States parties under article 2 of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women 2015, paras. 9, 16
- Human Rights Committee, Concluding observations on the fifth periodic report of Iraq, CCPR/C/IRQ/CO/5, 3 December 2015, Para. 11.

- Concluding observations on the combined third and fourth periodic reports of the Islamic Republic of Iran, CRC/C/IRN/CO/3-4, 14 March 2016, para. 32.
- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding observations on the seventh periodic report of Turkey, CEDAW/C/TUR/CO/7, 2016, para.32 (f)
- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding observations on the seventh periodic report of Turkey, CEDAW/C/TUR/CO/7, 2016, para.32 (h)
- Committee on the Rights of the Child, Concluding observations on the combined fourth and fifth periodic reports of Jordan, 2016, Para. 16
- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding observations on the combined initial and second periodic reports of Afghanistan, CEDAW/C/AFG/CO/1-2, 30 July 2013, Para. 14
- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding observations on the third periodic report of Bahrain, CEDAW/C/BHR/CO/3, 10 March 2014, Para. 21.
- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, Concluding observations on the seventh periodic report of Turkey, CEDAW/C/TUR/CO/7, 2016, para.32
- Convention on the Rights of the Child.in: <http://web.archive.org/web/20050208040137/http://www.un.org/law/ilc/texts/treatfra.htm>.

